

بررسی برخی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه دانش آموزی شهری نورآباد دلفان

مهرداد نامداری^۱

^۱ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

چکیده

تحقیق حاضر با هدف " بررسی برخی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه دانش آموزی شهری نورآباد دلفان " انجام گردید. روش تحقیق در این تحقیق از نوع پیمایشی می باشد و شیوه نمونه گیری آن تصادفی طبقه ای است. جمعیت آماری این تحقیق را دانش آموزان مقطع دبیرستان شهر نورآباد تشکیل می دهند، که تعداد آن ها در سال ۱۳۹۵، بالغ بر ۳۵۰۰ نفر بوده است که از آن تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و بر روی آن ها پرسشنامه " بررسی برخی عوامل مؤثر بر وندالیسم " اجرا گردید. روش نمونه گیری به صورت نمونه گیری تصادفی طبقه ای بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که، متغیرهای احساس از خود بیگانگی، احساس محرومیت نسبی، موفقیت تحصیلی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و جنس رابطه معنی داری با وندالیسم - که به سه شیوه مجزا عملیاتی گردید - دارد؛ و در پایان نتایج تحقیق نشان دهنده توانمندی نظریه های مرتن، کوهن، سیمن و نظریات روان شناسی اجتماعی - که تأکید این تحقیق بر روی این نوع از نظریه ها بود- برای تبیین وندالیسم می باشد.

واژه‌های کلیدی: وندالیسم، پایگاه اقتصادی_اجتماعی، محرومیت نسبی، از خود بیگانگی، انزوای اجتماعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

فعالیت روزمره انسان ها در جامعه، مبتنی بر «نظم اجتماعی»^۱ است و این نظم اجتماعی از طریق افراد و گروه های اجتماعی اعمال می شود و تحول و یا تداوم پیدامی کند. در حقیقت هر رفتار اجتماعی از طریق هنجارها و قوانین خاصی اداره می شود و در این جا منظور از هنجارها، استاندارد های رفتاری است که از طریق افراد و گروه های اجتماعی از همگان انتظار می رود (محسنی تبریزی، ۱۳۷۲: ۳۷۶). بطور کلی، زندگی اجتماعی انسان به وسیله هنجارها^۲، قوانین و مقررات اداره می شود. اگر افراد جامعه به قوانین و مقررات و هنجارهای اجتماعی که رفتار آن ها را به عنوان مناسب و نامناسب تعریف می کنند، مقید نباشند، فعالیت های انسان متوقف یا دچار هرج و مرج خواهد شد (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۱). در این جا می گوئیم، یکی از اعمالی که نظم اجتماعی و قوانین و مقررات را تهدید جدی می کند، اعمال و کردارهای وندالیستی است. از طرف دیگر مرتکبین اعمال وندالیستی، اکثراً از قشر جوان و نوجوان جامعه تشکیل شده اند.

بیان مساله:

مسایل اجتماعی جامعه فرآیندهای اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و یا الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مورد توجه مردم و گروه های اجتماعی قرار می گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدید کننده ارزش ها و کمال مطلوب های آن ها می شوند. مسایل اجتماعی به عنوان پدیده هایی نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می دارند بطوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آن ها پدید می آید که مقامات رسمی کشور را به چاره جویی و اقدام عملی در جهت اصلاح و یا رفع و پیشگیری از آن ها وادار (عبدالهی، ۱۳۸۳: ۱۲). بنابراین، یک مساله اجتماعی، زمانی تعریف می شود که مردم آن جامعه، آن را به عنوان یک معضل و یا یک مشکل اجتماعی تعریف کنند. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۳۶).

امروزه خرابکاری به عنوان یک مشکل حاد اجتماعی مطرح است که نه تنها سلامت و امنیت شهرها را به مخاطره می اندازد، بلکه هزینه های مالی هنگفتی را به ساکنین شهرها تحمیل می کند. به رغم شیوع این معضل در جامعه و افزایش رشد رفتارهای وندالیستی، یک سیستم منظم ثبت آمار و اطلاعات از ضایعات و خسارات ناشی از این پدیده وجود ندارد.

وندالیسم یا خرابکاری

وندالیسم مشتق از واژه وندال^۳ است. وندال نام قومی از اقوام ژرمن-اسلاو می باشد که در قرن پنجم میلادی در سرزمین های واقع در میان دو رودخانه اودر و ویستول زندگی می کردند. آنان مردمانی جنگجو، خونخوار و مهاجم بودند که به کرات به نواحی و سرزمین های اطراف قلمرو خود تخطی و تجاوز کرده، به تخریب و تاراج مناطق و آبادی های متصرفه می پرداختند. روحیه ویرانگرانه قوم وندول سبب گردیده است که در مباحث آسیب شناسی کلیه رفتارهای بزه کارانه ای که به منظور تخریب آگاهانه اموال، اشیاء و متعلقات عمومی و نیز تخریب و نابودی آثار هنری و دشمنی با علم و صنعت و آثار تمدن صورت می گیرد به گونه ای به وندالیسم منتسب گردد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۱).

در منابع مربوط به انحرافات و کجروی های اجتماعی، وندالیسم به مثابه نوعی بزه و از انواع جرایم خرد مطرح شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۶). در اغلب تعاریف ارائه شده در باب مفهوم وندالیسم در مباحث انحرافات و آسیب های اجتماعی، محققین و صاحب نظران از آن به عنوان رفتار معطوف به تخریب و خرابکاری اموال، تاسیسات و متعلقات عمومی نام

^۱-social order

^۲ Norms

^۳- vandal

برده اند. مییر^۱ و کینارد^۲ (۱۹۷۵) در تعریف وندالیسم متذکر می شوند که «وندالیسم عبارت است از تخریب ارادی اموال و متعلقات عمومی بصورتی مداوم و مکرر» (به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۲). تعریف دیگر این که، «خرابکاری یا وندالیسم به عنوان رفتاری در جهت تخریب آگاهانه اموال عمومی، تخریب و نابودی آثار هنری و دشمنی با علم، صنعت و آثار تمدن شناخته می شود. در شهرهای بزرگ همه روزه شاهد ویرانگری عمومی و رفتارهای غیر مسوولانه و ضد اجتماعی برخی از افراد هستیم که بطور عمد و نابودی هر آن چه متعلق به همگان است می پردازند. وندالیسم به معنی آسیب رساندن یا خرابکاری است و شخص وندال یا خرابکار، شخصی است که به اشیایی که به افراد دیگر تعلق دارد آسیب می رساند یا (آکسفورد، ۲۰۰۱).» به نظر محبی، خرابکاران افرادی هستند که با آثار تمدن ضدیت دارند و به احتمال زیاد بصورت عمدی اموال عمومی را مورد حمله قرار می دهند و به آن ها خسارت وارد می سازند. خرابکاری را می توان جزو بزه کاری های ملایم به حساب آورد که معمولاً از دید مراجع قضایی قابل اغماض و چشم پوشی است (محبی، ۱۳۸۲: ۸). تعریف اخیر خالی از اشکال نیست و نمی توان چنین گفت که فقط آسیب رساندن به آثار تمدن، جزء وندالیسم است؛ بلکه هر گونه آسیب ارادی به اموال عمومی و خصوصی، اعم از این که آثار تمدن باشد یا نباشد؛ مثلاً، آسیب رساندن به درخت، را اعمال وندالیستی می دانیم.

موضوعات وندالیسم

نخستین حمله وندال ها که عمدتاً دانش آموزند، به مدارس می باشد؛ آنان شیشه کلاس ها را می شکنند، اشیاء منقول، وسایل آموزشی و لوازم التحریر مدرسه را تخریب می کنند یا به سرقت می برند، کتابخانه ها اعم از کتابخانه های محیط های آموزشی و یا کتابخانه های عمومی به نحو گستره و وسیعی تحت تاراج وندال ها و تخریب و تهاجم آن ها قرار دارند. صفحاتی از کتاب ها با عناوین و موضوعات مختلف بریده یا کنده می شوند. در مواردی کل کتاب مورد تخریب و آسیب قرار می گیرد. علاوه بر مدارس، کلیه تاسیسات، اموال، متعلقات و اماکن و وسایل عمومی نظیر وسایل حمل و نقل عمومی، وسایل ارتباطی، علائم ترافیک، پل ها، جاده ها، پارک ها، سینماها و سالن های تئاتر، بیمارستان ها، ورزشگاهها، ترمینال های مسافری، گالری ها و موزه ها، گورستان ها، عبادتگاه ها، هتل ها، خوابگاه ها و نظایر آن به وفور و کراراً در معرض تخریب و آماج یورش خصمانه وندال ها قرار دارند (محسنی، ۱۳۸۳: ۲۳).

پیشینه تحقیق:

فراهانی در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه ساخت خانواده با رفتارهای پرخاشگرانه دانش آموزان پسر در مدارس شهر تهران، که با استفاده از روش کمی و تکنیک پیمایشی و بصورت پرسشنامه انجام داده، عقیده دارد که عوامل خانوادگی (خانواده های بدون پدر، بدون مادر، ناپدری، نامادری و نظایر آن)، جمعا ۱۶ درصد از واریانس بزه کاری و خرابکاری را تبیین نموده است. به نظر محقق، دانش آموزان خرابکار و پرخاشگر دارای خصوصیات چندی از جمله: وضعیت تحصیلی ضعیف، احساس پیروزی، برتری و خود نمایی مخفی نمودن عیب خود، پرخاشگری به صورت لفظی و عملی، احساس خودمختاری و استقلال، داشتن جثه قوی و در برخی موارد دارای نقص بدنی و عادات مرضی همچون جویدن ناخن، لکنت زبان، صرع و نظایر آن بوده اند (فراهانی، ۱۳۶۵).

جلیلی در تحقیقی تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر بزه کاری جوانان شیراز، با مطالعه بر روی ۱۰۰ نفر از بزه کاران ۱۲ تا ۱۸ سال شیراز، ارتباط معناداری بین متغیرهای زیر با بزه کاری یافته است: وضعیت تحصیلی، وضعیت شغلی بزه

^۱-Meier

^۲ Kinard

کاران، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، میزان درآمد، شغل پدر، عدم تفاهم خانوادگی، از هم گسیختگی خانواده، محل سکونت. همچنین بر اساس این تحقیق میزان بزه کاری در بین پسران بیشتر از دختران است. بیشترین بزه ارتكابی پسران سرقت و بیشترین بزه ارتكابی دختران رابطه نامشروع بوده است. به نظر محقق، اگر با دیدی جامعه شناسانه به پدیده بزه کاری نگریسته شود، می توان آن را به منزله یک بیماری اجتماعی تلقی نمود که باید معالجه شود، بنابراین، برای معالجه هر مرضی باید ابتدا آن را شناخت و به زمینه های پیدایش آن پی برد، سپس بیمار را نجات داد. محقق در آخر، چنین نتیجه می گیرد که بیشتر اعمال بزهکارانه را افرادی مرتکب شده اند که به خانواده های نابسامان تعلق داشته اند (جلیلی، ۱۳۷۲).

سهامی و احمدی در تحقیقی تحت عنوان **بزهکاری و خرابکاری**، به منظور بررسی علل و عوامل موثر بر وندالیسم، به مطالعه روی دانش آموزان دبیرستان های شیراز پرداخته اند. وندالیسم (خرابکاری) در این تحقیق به عنوان یک رفتار بزهکارانه مد نظر بوده و عبارت است از تخریب امکانات وسایل عمومی از قبیل پاره کردن صندلی اتوبوس ها، شکستن لامپ های معابر، صدمه به اموال مدرسه و..... تحقیق فوق با روش کمی و بصورت پرسشنامه خود گزارشی انجام گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که در تجزیه و تحلیل دو متغیره، متغیرهای جنس، سن، محل زندگی، بعد خانوار، وضعیت تحصیلی فرد، تحصیلات مادر، منزلت شغلی پدر، تعهدات و دلبستگی خانوادگی، رابطه معنی داری با متغیر خرابکاری دارند. در تجزیه و تحلیل چند متغیره با استفاده از رگرسیون مرحله به مرحله متغیرهای جنس، پایبندی به قوانین، سطح تعهدات و دلبستگی مدرسه ای، ساخت خانواده و تحقیر شدن رابطه معنی داری با متغیر وابسته یعنی خرابکاری داشته اند (سهامی و احمدی، ۱۳۸۳)

لونسترین^۱ در تحقیقی تحت عنوان **خرابکاری در مدارس**، که روی ۴۷۵ نفر از دانش آموزان مدارس انگلستان و آمریکا، با استفاده از تکنیک پرسشنامه و تحلیل رگرسیون ساده و چند متغیره، انجام داده است، به نتایج زیر دست یافته است: میزان بالای رفتارهای ضد اجتماعی و مخصوصاً خرابکاری در بین دانش آموزانی که در دارودسته های بزهکار^۲ عضویت داشته اند، بیشتر از کسانی است که عضو چنین باندهایی نبوده اند. به نظر محقق، ساخت خانواده یعنی این که آیا همه اعضای خانواده مخصوصاً والدین نقش های خود را در خانواده به نحو مطلوب اجرا می نمایند و یا این که خانواده از هم گسیخته و نابسامان است، با میزان انجام رفتارهای خرابکارانه ارتباط معنی داری دارد. سایر نتایج این تحقیق نشان می دهد که عدم وجود پدر در خانواده و یا وجود ناپدیری در خانواده، بیش از عدم وجود مادر، در میزان بزهکاری و خرابکاری فرزندان موثر است (لونسترین، ۱۹۸۶).

مایر^۱ و دیگران در مطالعه ای تحت عنوان **بررسی و اندازه گیری میزان خرابکاری در مدارس: یک مطالعه همبستگی**، که در دوشهر بزرگ کالیفرنیا و لوس آنجلس انجام گرفته است، عقیده دارند که محیط مدرسه و نوع برخورد مسوولین آن با دانش آموزان، ارتباط مستقیمی با رفتار خرابکارانه آن ها دارد. این تحقیق که با استفاده از تکنیک مصاحبه و پرسشنامه بر روی تعداد ۱۴۲۵ نفر از دانش آموزان دختر و پسر ۲۳-۱۵ انجام گرفته است، نشان می دهد که با افزایش میزان تحصیلات، میزان رفتارهای خرابکارانه نوجوانان بطور چشمگیری کاهش می یابد. به نظر محققان، دختران بزه کار کمتر از پسران بزه کار از راهنمایی و نصیحت های والدینشان برخوردار بوده اند؛ زیرا مورد سوء ظن کمتری از طرف والدین بوده اند (مایر و دیگران، ۱۹۸۷).

۱- Lowenstrein

۲- dellinquency gangs

۱ - Mayer



چارچوب نظری منتخب

با رجوع به تعبیری که نظریه‌های مختلف انحرافات اجتماعی از جرم و بزه کاری ارایه داده‌اند، به نظر می‌رسد که هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند بطور کامل همه جرایم و بزه کاری‌ها را تبیین نماید. هر نظریه‌ای قوت و ضعف‌های خاص خود را داشته و بعضی از نظریه‌ها در موارد خاصی از جرم و بزه کاری روی هم رفته از دیگر نظریه‌ها متقاعد کننده‌ترند. هر نظریه‌ای بر جنبه‌های متفاوتی از جرم و بزه کاری تاکید نموده و جنبه‌ای دیگر را مورد انکار قرار داده است (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۲۷). بنابراین، آن‌چه در نظریه‌ها و تحقیقات مربوط به جرم و بزه کاری مهم است، درک بهتر از چگونگی گسترش جرم و بزه کاری و چگونگی دوام و استمرار رفتار جنایی و بزه کارانه در دوره کوتاهی از زمان یا برای همیشه است. در این جا، به نظر می‌رسد که راه رسیدن به این هدف، تلاش برای آمیختن نظریه‌های موجود می‌باشد که بر توانایی‌های نسبی یکدیگر بنا شده‌اند و توانایی تبیینی خود را افزایش می‌دهند (همان منبع، ۱۳۲).

متغیر اول ما، یعنی جنس، یک متغیر جمعیت شناختی است. اما ما با توجه به این‌که، این متغیر، یکی از متغیرهای مهم جمعیت شناختی است که صاحب نظران جامعه‌شناسی از ابتدای آن که کنت^۱ باشد گرفته تا سایرین بر تاثیرگذاری متغیرهای جمعیت شناختی بر مسایل اجتماعی اشاره کرده‌اند. بنابراین، این متغیر را به عنوان یکی از متغیرهای مستقل مورد آزمون قرار دادیم.

متغیر دوم پایگاه اجتماعی و اقتصادی است. به نظر ما، آن تئوری‌ای که بهترین تبیین را از این متغیر می‌دهد، تئوری **میلر**، تحت عنوان فرهنگ طبقه پایین است که ما در استخراج این متغیر بیشتر به این تئوری توجه داشتیم. همچنین، از آن جا که یکی از شاخص‌های متغیر فوق، درآمد است؛ این مساله می‌تواند بطور غیر مستقیم از تئوری **مرتون** استخراج شود. همچنین از آن جا که یکی از شاخص‌های این متغیر محله مسکونی فرد است، می‌تواند بطور غیر مستقیم، تئوری **شاو و مک کی** را متبادر سازد. تئوری **کلوارد و اوهلین** نیز در این میان می‌تواند این متغیر را در بر گیرند، از آن جایی که این دو محقق، بر فراوانی فرصت‌های نابرابر در جامعه اشاره می‌کنند، می‌توان گفت که در هر جامعه‌ای پایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد، در مناسبات روزمره و یا سایر مناسبات تاثیرگذار است. از آن جایی که افرادی که دارای موقعیت بالاتری هستند، دارای امکانات بیشتری در مناسبات زندگی خود می‌شوند، این امر می‌تواند، گونه‌ای احساس نابرابری را همان گونه که کلوارد و اوهلین به آن اشاره کرده‌اند، به وجود بیاورد.

متغیر سوم، احساس انزوای اجتماعی است. این مفهوم را مستقیماً می‌توان در تئوری **مرتون** با نام‌های طغیان و کناره‌گیری یافت. بدین نحو که اگر فرد اهداف و ابزار را نمی‌پذیرد و خود را هم جایگزین نمی‌کند عزلت‌گرا است و چنان‌چه خود را جایگزین می‌کند، طغیان‌گرا است. با این حال، **کوهن** را نیز می‌توان صاحب نظر دیگری دانست که می‌توان از نظریه آن این متغیر را استخراج کرد. همان گونه که گفته شد، کوهن عقیده داشت که یکی از خصوصیات بزه کاری جوانان، ایجاد لذت است. بدیهی است که وقتی فردی دچار احساس انزوا می‌کند، سعی دارد این احساس را از خود دور کند، یکی از این کارها، انجام انحراف برای شادی است. همچنین از آن جایی که این متغیر، یکی از پنج متغیر سیمن در توضیح مفهوم از خود بیگانگی است، نیز باید به سهم تئوری **سیمن** در این میان اشاره کنیم.

متغیر چهارم، احساس تنفر از خویشان است. این وضعیتی است که فرد به هر دلیلی از خود خشنود نیست. این مفهوم بویژه در آثار **کوهن** و نظریه وی دیده می‌شود. **سیمن** نیز آن را به گونه‌ای واضح تشریح کرده است، نظریه **هیرشی**

^۱ - August Conte

نیز بیان می دارد که وابستگی یکی از عناصر شروع کننده بزه کاری است، با این حال، کسی که تنفر از خویش دارد، اعتقاد و تعهدی در وی نیز کمتر وجود دارد. بنابراین، در ساخت این متغیر به تئوری های کوهن، سیمن و هیرشی توجه کردیم.

متغیر پنجم، احساس از خود بیگانگی است. این متغیر را بطور کلی از سیمن گرفتیم. هر چند بطور مستقیم می توان آن را از نظریه کنترل اجتماعی هیرشی اخذ کرد. بدین معنا که شخصی که نه دارای وابستگی است، نه تعهدی دارد، نه درگیری و دلمشغولی و نه اعتقاد، یک فرد از خود بیگانه است. لازم به توضیح است که همان گونه که گفتیم، این مفهوم، یک مضمون مارکسیستی است و برای گفتن این که کارگر از شرایط کارش بیگانه شده است، ابداع گردید. در این جا متذکر می شویم، که ما در این جا، از احساس از خود بیگانگی چنین برداشتی نکردیم و از تئوری مارکس بهره نگرفتیم. ما بیشتر به احساس از خود بیگانگی در حالت ذهنی آن و نه حالت عینی آن (نظریه مارکس) توجه داشتیم.

متغیر ششم، موفقیت تحصیلی است. آن چه درباره موفقیت تحصیلی می توان گفت این است که این متغیر را به ناکامی منزلتی کوهن ربط دهیم. این تبیین در شرایطی واقعی تر به نظر می رسد که بدانیم افرادی برای عضو شدن در خرده فرهنگ بزه کار و در نتیجه موقعیت و مقام منزلت خود را بالا بردن از درس خواندن جدی (برای مسخره نشدن در بین دوستان بزه کار خود) خودداری می کنند. ضمن این که، اگر سیستم نظام آموزش و پرورش در نمره دادن به دانش آموز را نظامی عادلانه ارزیابی نکنیم، به تئوری کلووارد و اوهلین نیز می رسیم. جایی که فرد برای گریز از فرصت های نابرابری که جامعه برای افراد گوناگون برای رسیدن به موفقیت خلق کرده است، دست به بزه کاری و یا اعمال وندالیستی می زند.

و بالاخره، احساس محرومیت نسبی نیز از تئوری مرتون قابل استخراج است؛ بطور مثال، شخصی که دچار احساس محرومیت نسبی است، وقتی اهداف فرهنگی، چیزی را به عنوان مناسب برای وی تعریف می کند، اما وی نمی تواند به آن چیز دست یابد، به نوآوری دست می زند. این مساله، در تئوری کوهن نیز به چشم می خورد. اصطلاح «ناکامی منزلتی» کوهن، می تواند، بخشی از احساس محرومیت نسبی باشد. همین طور می توان گفت که این متغیر از تئوری کلووارد و اوهلین نیز قابل استخراج است. وقتی کلووارد و اوهلین به شرایط نابرابر در جامعه برای دستیابی به فرصت ها اشاره دارند، بدان معنا است که افراد جامعه در این شرایط دچار احساس محرومیت نسبی می شوند.

بطور کلی، آن چه در چارچوب نظری تحقیق ما مشخص شد، استفاده هم زمان از هشت تئوری در مورد انحرافات اجتماعی بود. هشت نظریه ما (تقریباً به میزان سهم در چارچوب نظری)، به این شرح اند: ۱- تئوری شاو و مک کی، ۲- تئوری میلر، ۳- تئوری دورکیم، ۴- تئوری کلووارد و اوهلین، ۵- تئوری هیرشی، ۶- تئوری سیمن، ۷- تئوری کوهن و ۸- تئوری مرتون. که این سه مورد آخر نقش برجسته ای در تشکیل چارچوب نظری ما داشته است. این بدان معناست که به کارگیری نظریه های روان شناسی اجتماعی، در تحقیقات مربوطه به انحراف، کاری اجتناب ناپذیر است.

- فرضیات تحقیق

- ۱- به نظر می رسد، بین جنس و شدت وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۲- به نظر می رسد، بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و شدت وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۳- به نظر می رسد، بین احساس انزوای اجتماعی و شدت وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۴- به نظر می رسد، بین احساس تنفر از خویش و شدت وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد.

۵- به نظر می رسد، بین احساس از خودبیگانگی و شدت وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد.

۶- به نظر می رسد، بین موفقیت تحصیلی و شدت وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد.

۷- به نظر می رسد، بین احساس محرومیت نسبی و شدت وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد.

در این تحقیق، ما متغیر وابسته، یعنی رفتار وندالیستی را در سه روش عملیاتی کردیم. ابتدا سوالاتی مطرح شدند که نگرش افراد به رفتار وندالیستی را می سنجیدند. در درجه دوم، سوالاتی طرح شد که بتواند اعمال وندالیستی را بسنجد. در این مرحله، ما از یکسری اعمال وندالیستی را به پاسخگو داده و از او می خواستیم که «ممکن است، بفرمایید که خود شما در یکی دو سال اخیر به چه میزان به ارتکاب اعمال زیر وسوسه شدید» را در یک گزینه چهارجوابی پاسخ دهد. نوع سوم، عملیاتی کردن متغیر وابسته ما در این تحقیق، تعدادی اعمال وندالیستی را به پاسخگو می دادیم و از او می خواستیم تعداد افرادی را که می شناسد و این گونه اعمال را انجام می دهد، به ما بگوید؛ به عبارتی دیگر، در این سوال قصد سنجش فرافکنی پاسخگو را داشتیم. زیرا چنین به نظر می رسد، که افرادی که خود عملی را مرتکب می شوند، بیشتر دیگران را نیز به آن متهم می کنند، به عبارت دیگر فرافکنی می کنند. در این جا، ما فرافکنی را شاخصی از رفتار وندالیستی فرد در نظر گرفتیم.

توصیف نمونه و پردازش اطلاعات بدست آمده

۴-۱-۱- متغیر جنس

همان گونه که در جدول ۴-۱ مشاهده می شود، از ۳۸۶ نفر پاسخگویان ۱۹۲ نفر پسر بوده اند که معادل ۴۹/۷ درصد کل پاسخگویان می باشد و ۱۹۴ نفر دختر که معادل ۵۰/۳ درصد کل پاسخگویان می باشد. لازم به ذکر است، معمول است که حجم دو گروه دختر و پسر مساوی باشد که مبنای منطقی تری برای مقایسه باشد. تحقیق حاضر نیز تعداد دختر و پسر را مساوی در نظر گرفته و اختلاف آن تصادفی و ناچیز است.

جدول ۴-۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس

جنس	فراوانی	درصد	درصد معتبر
پسر	۱۹۲	۴۹,۷	۴۹,۷
دختر	۱۹۴	۵۰,۳	۵۰,۳
جمع کل	۳۸۶	۱۰۰	۱۰۰

۴-۱-۲- متغیر سن

در جدول زیر مشاهده می شود که، دامنه سنی در گروه نمونه، بین ۱۳ تا ۲۱ سال است. بیشترین فراوانی مربوط به سن ۱۵ سال است که ۳۳ درصد از تعداد پاسخگویان را به خود اختصاص داده و کمترین تعداد در سنین ۱۳ و ۲۱ سال مشاهده می شود که به ترتیب، تنها دو و یک نفر از پاسخگویان را شامل می شود. این نتایج در جدول ۴-۲ مشاهده می شود.

جدول ۴-۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

سن	اوانی	صد	فراوانی تجمعی	درصد معتبر
۱۳	۲	۰/۵	۰/۵	۰/۵
۱۴	۴۹	۱۲/۷	۱۲/۷	۱۳/۲
۱۵	۱۲۸	۳۳/۲	۳۳/۲	۴۶/۴
۱۶	۹۵	۲۴/۶	۲۴/۶	۷۱
۱۷	۷۷	۱۹/۹	۱۹/۹	۹۰/۹
۱۸	۱۵	۳/۹	۳/۹	۹۴/۸
۱۹	۱۲	۳/۱	۳/۱	۹۷/۹
۲۰	۷	۱/۸	۱/۸	۹۹/۷
۲۱	۱	۰/۳	۰/۳	۱۰۰
کل	۳۸۶	۱۰۰	۱۰۰	

۴-۱-۴- متغیر گرایش نسبت به رفتار وندالیستی

نتایج به دست آمده تفاوت معنی داری را بین دانش آموزان دختر و پسر به لحاظ گرایش به اعمال وندالیستی نشان می دهد. همان گونه که در جدول ۴-۵ مشاهده می شود، میانگین گرایش نسبت به رفتار وندالیستی در بین دختران ۲۴/۰۸، و این رقم برای پسران معادل ۲۱/۶۲ می باشد. این نتیجه نشان دهنده این است که، گرایش به رفتار وندالیستی در بین دانش آموزان دختر بیشتر از دانش آموزان پسر است.

جدول ۴-۵: میانگین شدت گرایش به رفتار وندالیستی بر حسب متغیر جنس

جنس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
پسر	۱۹۲	۲۱/۶۲	۸/۶۲۰
دختر	۱۹۴	۲۴/۰۸	۱۰/۰۹۸

۴-۱-۵- متغیر شدت رفتار وندالیستی

در جدول ۴-۶ میانگین شدت رفتار وندالیستی در بین دختران و پسران مشاهده می شود. میانگین شدت رفتار وندالیستی در بین دانش آموزان پسر ۱۸/۶۸ و این رقم برای دانش آموزان دختر ۱۶/۳۴ می باشد، بنابراین با توجه به نتایج، پسران نسبت به دختران رفتار وندالیستی بیشتری در عمل از خود بروز داده اند.

جدول ۴-۶: میانگین شدت رفتار وندالیستی بر حسب متغیر جنس

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنس	
۷/۸۳	۱۸/۶۸	۱۹۲	پسر	گرایش به وندالیسم
۵/۵۹	۱۶/۳۴	۱۹۴	دختر	

۴-۲- تجزیه و تحلیل داده ها

در این قسمت با استفاده از آزمون های آماری مناسب، به آزمون فرضیات این تحقیق خواهیم پرداخت.

۴-۲-۱- فرضیه اول: آزمون رابطه بین متغیر جنس و متغیر شدت وندالیسم

در فرضیه نخست پیش بینی می شود که، بین متغیر جنس و متغیر شدت وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد. از آنجا که در این تحقیق هم گرایش به رفتار وندالیستی و هم شدت رفتار وندالیستی پاسخگویان سنجیده شده است. قدر مطلق مقدار t به دست آمده ۲/۵۷۲- می باشد و تفاوت بین میانگین ها از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. نتایجی که در جدول ۴-۷ آمده است مربوط به تفاوت بین میانگین های گرایش به رفتار وندالیستی در میان پسران و دختران است. همان گونه که در قسمت آمار توصیفی گفته شد، میانگین گرایش به وندالیسم در بین دختران بیشتر است.

جدول ۴-۷: نتایج آزمون T مربوط به متغیر جنس و متغیر گرایش به رفتار وندالیستی

جنس	فراوانی	میانگین گرایش به رفتار وندالیستی	مقدار T	سطح معناداری
زن	۱۹۴	۲۴/۰۸		
			۲/۵۷۲	۰/۰۰۲
مرد	۱۹۲	۲۱/۶۲		

در جدول ۴-۸ همان گونه که مشاهده می شود، متغیر وابسته شدت رفتار وندالیستی در نظر گرفته شده است. تفاوت بین میانگین شدت رفتار وندالیستی بین پسران و دختران معنی دار است. از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.

جدول ۴-۸: نتایج آزمون T مربوط به متغیر جنس و متغیر شدت رفتار وندالیستی

جنس	فراوانی	میانگین شدت رفتار وندالیستی	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۱۹۲	۱۸/۶۸		
			۲/۰۶۳	۰/۰۳۱
زن	۱۹۴	۱۶/۳۴		

۴-۲-۲- فرضیه دوم: آزمون رابطه بین متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و متغیر وندالیسم

فرضیه دوم احتمال می دهد که بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانش آموزان و وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد. همان گونه که در جدول ۴-۹ مشاهده می شود، مقدار ضریب همبستگی ۰/۱۴۳ است. بنابراین نتایج نشان دهنده وجود رابطه معکوس و معنی دار بین این دو متغیر می باشد؛ به عبارت دیگر هر چه فرد از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری برخوردار باشد، گرایش به رفتار وندالیستی در وی کمتر مشاهده می شود.

جدول ۴-۹: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و گرایش به رفتار وندالیستی

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	-۰/۱۴۳	۰/۰۰۶

۴-۲-۳- فرضیه سوم: آزمون رابطه بین متغیر موفقیت تحصیلی و متغیر وندالیسم

به نظر می رسد بین متغیر موفقیت تحصیلی و متغیر وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد. در این تحقیق معدل کل پاسخویان به عنوان شاخصی برای موفقیت تحصیلی در نظر گرفته شد. همان گونه که در جدول ۴-۱۰ مشاهده می شود، مقدار ضریب همبستگی برای متغیر موفقیت تحصیلی و گرایش به رفتار وندالیستی، ۰/۲۴۶- برای متغیر موفقیت تحصیلی و شدت رفتار وندالیستی، ۰/۱۶۵- و برای متغیر موفقیت تحصیلی و مقیاس مبتنی بر پرسش از دیگران یا فرافکنی، ۰/۱۵۶- می باشد و این ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بدین معنی که هر چه فرد به لحاظ تحصیلی موفق تر باشد، گرایش کمتری نسبت به رفتار وندالیستی از خود نشان می دهد.

جدول ۴-۱۰: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیرهای موفقیت تحصیلی و گرایش به رفتار وندالیستی

نام متغیر	وندالیسم	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
موفقیت تحصیلی	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۲۴۶	۰/۰۰۰

۰/۰۰۱	-۰/۱۶۵	مقیاس مبتنی بر عمل
۰/۰۰۱	-۰/۱۵۶	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فرافکنی)

۴-۲-۴- فرضیه چهارم: آزمون رابطه بین متغیر احساس محرومیت نسبی و متغیر وندالیسم

به نظر می رسد، بین متغیر احساس محرومیت نسبی و متغیر وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج نشان می دهد که احساس محرومیت نسبی با وندالیسم همبستگی دارد که در مورد گرایش به رفتار، $r = 0/397$ و در مورد شدت رفتار وندالیستی این ضریب معادل $0/246$ به دست آمد که در سطح $0/01$ معنی دار است و کمترین r مربوط به مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی می باشد، که معادل $0/124$ می باشد. نتایج در جدول ۴-۱۱ آمده است.

جدول ۴-۱۱: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیرهای احساس محرومیت نسبی و وندالیسم با توجه به سه مقیاس به کار گرفته شده جهت سنجش متغیر وندالیسم

نام متغیر	وندالیسم	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
احساس محرومیت نسبی	مقیاس مبتنی بر گرایش	$0/397$	$0/000$
	مقیاس مبتنی بر عمل	$0/246$	$0/000$
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فرافکنی)	$0/124$	$0/015$

۴-۲-۶- فرضیه پنجم: آزمون مربوط به رابطه متغیر احساس انزوای اجتماعی و متغیر وندالیسم

به نظر می رسد، بین متغیر احساس انزوای اجتماعی و متغیر وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد. همان گونه که در جدول ۴-۱۳ مشاهده می شود، بیشترین مقدار r برای رابطه متغیر احساس انزوای اجتماعی با متغیر وندالیسم در مورد گرایش نسبت به رفتار وندالیستی است، که این ضریب معادل $0/533$ است و کمترین آن مربوط به مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی است، که ضریب آن معادل $0/152$ بدست آمده است. رابطه متغیر احساس انزوای اجتماعی نیز با هر سه شیوه تعریف عملیاتی متغیر وندالیسم که همان گرایش، عمل و مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی است، در سطح $0/01$ معنی دار می باشد.

جدول ۴-۱۳: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر های احساس انزوای اجتماعی و وندالیسم با توجه به سه مقیاس به کار گرفته شده جهت سنجش متغیر وندالیسم

نام متغیر	وندالیسم	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
احساس انزوای اجتماعی	مقیاس مبتنی برگرایش	۰/۵۳۳	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی برعمل	۰/۳۹۸	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فراکنی)	۰/۱۵۲	۰/۰۰۳

۴-۲-۸- فرضیه ششم: آزمون مربوط به رابطه متغیر احساس تنفر از خویشتن و متغیر وندالیسم

به نظر می رسد که، بین متغیر احساس تنفر از خویشتن و متغیر وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد. در جدول ۴-۱۶ مشاهده می شود که، مقدار ضریب همبستگی برای رابطه متغیر احساس تنفر از خویشتن و متغیر گرایش به رفتار وندالیستی مساوی ۰/۳۵۲ است و این ضریب برای رابطه این متغیر با متغیر شدت رفتار وندالیستی، ۰/۳۲۸ است، که در هر دو مورد رابطه دو متغیر در سطح ۰/۰۱ معنی دار می باشد. ولی در مورد رابطه متغیر احساس تنفر از خویشتن با مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فراکنی رفتار وندالیستی، مقدار ۲ معادل ۰/۰۶۷ بدست آمد که نشان می دهد، رابطه این دو متغیر به لحاظ آماری معنی دار نیست.

جدول ۴-۱۶: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر های احساس تنفر از خویشتن و وندالیسم با توجه به سه مقیاس به کار گرفته شده جهت سنجش متغیر وندالیسم

نام متغیر	وندالیسم	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
احساس تنفر از خویشتن	مقیاس مبتنی برگرایش	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی برعمل	۰/۳۲۸	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فراکنی)	۰/۰۶۷	۰/۱۹۱

۴-۲-۹- فرضیه هفتم: آزمون مربوط به رابطه متغیر احساس از خود بیگانگی و متغیر وندالیسم

به نظر می رسد که بین متغیر احساس از خود بیگانگی و متغیر وندالیسم رابطه معنی داری وجود دارد. ما برای سنجش احساس از خود بیگانگی، سه متغیر، احساس انزوای اجتماعی، احساس بی هنجاری، و احساس تنفر از خوشتن را به عنوان شاخص های احساس از خود بیگانگی در نظر گرفته و پس از عملیاتی کردن و سنجش آنها، این سه متغیر را با هم جمع کرده و نمره بدست آمده به عنوان میزان احساس از خود بیگانگی در هر فرد برای تبیین متغیر وندالیسم در نظر گرفتیم. مقدار ضریب همبستگی برای متغیر احساس از خود بیگانگی با متغیر گرایش نسبت به رفتار وندالیستی، همان گونه که در جدول ۴-۱۷ آمده است، ۰/۶۳۴ می باشد، برای متغیر احساس از خود بیگانگی و متغیر شدت عمل وندالیستی ضریب همبستگی معادل ۰/۵۰۷ و برای رابطه آن با مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی، ۰/۲۴۹ بدست آمده است که، رابطه متغیر احساس از خود بیگانگی و متغیر وندالیسم در هر سه مورد در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

جدول ۴-۱۷: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر های احساس از خود بیگانگی و وندالیسم با توجه به سه مقیاس به کار گرفته شده جهت سنجش متغیر وندالیسم

نام متغیر	وندالیسم	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
احساس از خود بیگانگی	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۶۳۴	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۵۰۷	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران (فرافکنی)	۰/۲۴۹	۰/۰۰۰

۴-۳-۱- معادله رگرسیونی پیش بینی میزان گرایش به رفتار وندالیستی

برای ساختن معادله رگرسیونی پیش بینی میزان گرایش به رفتار وندالیستی، متغیرهایی که در سطح فاصله ای بوده اند، و دارای رابطه با متغیر وابسته بوده اند را به عنوان متغیر مستقل و میزان گرایش به رفتار وندالیستی به عنوان متغیر وابسته وارد شدند. بررسی نتایج بدست آمده در جدول ۴-۱۸ بیانگر آن است، که معادله پیش بینی میزان گرایش به رفتار وندالیستی می تواند ۰/۴۵۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش بینی نماید، که این مطلب را R^2 به ما نشان می دهد.

مقدار R یا همبستگی بین مقادیری که بوسیله معادله پیش بینی می شوند و مقادیر واقعی وجود دارد یا به عبارت دیگر ۰/۶۶۸ درصد مقادیری که پیش بینی می شود با مقادیر واقعی یکسان هستند. با توجه به سطح معناداری به دست آمده مقادیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد از لحاظ آماری معنی دار می باشند. از آنجایی که مدل ما توانسته با استفاده از شش متغیر احساس انزوای اجتماعی، احساس تنفر از خویشتن و احساس محرومیت نسبی، ۰/۴۴۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش بینی کند، می توان گفت از قدرت پیش بینی خوبی برخوردار است.

جدول ۴-۱۸: تجزیه واریانس رگرسیون چند متغیره گرایش به رفتار وندالیستی

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معنی داری F
اثر رگرسیون باقی مانده	۸	۱۴۶۲۰/۶۸۷	۱۸۲۷/۵۸۶	۳۵/۳۰۰	۰/۰۰۰
کل	۳۵۸	۳۲۷۴۱/۳۰۴	۵۱/۷۷۳		

$$R = ۰/۶۶۸ \quad R^2 = ۰/۴۴۷$$

۴-۳-۲- مقدار همبستگی تفکیکی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

ضریب همبستگی تفکیکی بین متغیر احساس انزوای اجتماعی و متغیر گرایش به رفتار وندالیستی با کنترل سایر متغیرهای مستقل (احساس بی هنجاری، احساس تنفر از خویشتن و احساس محرومیت نسبی) $r = ۰/۱۸۳$ می باشد. این ضریب در سطح $۰/۰۱$ معنی دار است.

ضریب همبستگی تفکیکی بین متغیر احساس از خود بیگانگی و متغیر گرایش به رفتار وندالیستی با کنترل سایر متغیرهای مستقل (احساس انزوای اجتماعی، احساس بی هنجاری، احساس تنفر از خویشتن و احساس محرومیت نسبی) $r = ۰/۱۱$ می باشد. سطح معنی داری این ضریب $۰/۰۷$ می باشد. بنابراین ضریب همبستگی پیرسون زمانی که اثر متغیرهای مستقل دیگر را بر روی احساس از خود بیگانگی کنترل می کنیم، در سطح $۰/۰۱$ معنی دار نمی باشد.

همبستگی تفکیکی بین متغیر احساس تنفر از خویشتن و متغیر گرایش به رفتار وندالیستی با کنترل سایر متغیرهای مستقل (احساس انزوای اجتماعی، احساس بی هنجاری، و احساس محرومیت نسبی) $r = ۰/۱۷۰$ می باشد. معنی داری این ضریب $۰/۰۰۱$ می باشد. این بدان معنی است که رابطه متغیر احساس تنفر از خویشتن و متغیر گرایش به رفتار وندالیستی با کنترل سایر متغیرهای مستقل در سطح $۰/۰۱$ معنی دار است.

یکی از مهم ترین مسائل و مشکلات اجتماعی دنیای امروز تخلفات و رفتاری افراد در گروه است. آمارهای منتشره در این مورد نشان می دهد که در اکثر کشور های جهان جرایم ارتكابی نوجوانان و جوانان به سرعت و آهنگ بیشتری افزایش می یابد. یکی از نهادهای مهمی که مسئولیت تعلیم و تربیت اجتماعی نوجوانان جامعه را به عهده دارد، آموزش و پرورش است. به طوریکه در صورت بروز برخی آسیب ها، خود می تواند یکی از عوامل مؤثر در شکل گیری و تداوم انواع رفتاری های اخلاقی و اجتماعی باشد. به عبارت دیگر می توان گفت آموزش و پرورش ناسالم، بی نظمی و رفتارهای ناهنجار را بین جوانان اشاعه می دهد. از این رو رفتارهای ناشی از کجروی و نظائر آن را می توان معلول نظام آموزش و پرورش ناقص دانست (شامبیاتی، ۱۳۷۵ : ۱۰۶).

تأملی در نتایج تحقیق

در این قسمت از تحقیق رابطه هر کدام از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. اولین متغیر مورد بحث جنسیت می باشد. سؤال این است که، آیا در بین پسران و دختران به لحاظ گرایش نسبت به رفتار وندالیستی و همچنین شدت اعمال وندالیستی تفاوت معنی داری وجود دارد یا خیر؟ نتایج در این تحقیق نشان می دهد که از لحاظ گرایش نسبت به

رفتار وندالیستی، دختران میانگین بالاتری نسبت به پسران دارند؛ به عبارت دیگر گرایش به رفتار وندالیستی در بین دختران بیشتر از پسران است. اما در مورد عمل وندالیستی نتایج عکس این را نشان می دهد؛ بدین معنی که شدت عمل وندالیستی در بین پسران بیشتر از دختران است و تفاوت بین میانگین ها به لحاظ آماری معنی دار است. این نتیجه دور از انتظار نیست به دلیل اینکه پسران از آزادی نسبی بیشتری به نسبت دختران برخوردارند و در مقابل رفتارهای وندالیستی احتمالاً کمتر از دختران مورد مؤاخذه قرار می گیرند. بنابراین گرچه گرایش نسبت به رفتار وندالیستی در بین دختران بیشتر از پسران است، ولی در عمل آن ها برای بروز رفتار بسیار محدودتر از پسران هستند.

در تحقیق حاضر ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و متغیر احساس محرومیت نسبی معادل $0/256$ - می باشد که رابطه این دو متغیر در سطح $0/01$ معنی دار است. این نشان می دهد که، رابطه این دو متغیر معکوس است. به عبارت دیگر هرچه پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین تر باشد، احساس محرومیت نسبی در او بیشتر است؛ نتیجتاً احساس محرومیت نسبی او را به طرف رفتار وندالیستی سوق می دهد.

ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر موفقیت تحصیلی و احساس محرومیت نسبی معادل $0/253$ - بدست آمد. این ضریب در سطح $0/01$ معنی دار است. رابطه بین این دو متغیر نیز معکوس می باشد. بدین معنی که به میزانی که فرد موفقیت تحصیلی کمتری دارد، احساس محرومیت نسبی در او بیشتر است. البته لزوماً رابطه بین این دو متغیر علی نیست. ولی می توان گفت که، این دو متغیر هم تغییری دارند، یعنی هرچه موفقیت تحصیلی در فرد بیشتر باشد، احساس محرومیت نسبی در وی کمتر است و بالعکس.

در مورد پایگاه اجتماعی-اقتصادی فرد و نقش آن در گرایش به رفتار انحرافی میلر معتقد است جوانان طبقه پایین قانون و مقررات و پلیس را مزاحم خود می دانند. چنین نگرشی نسبت به قانون و پلیس آن ها را برای رفتار بزهکارانه آماده می سازد. بنابراین به زعم میلر ارزش های طبقات پایین به طور ذاتی زمینه بروز رفتار بزهکارانه را فراهم می کند (همان : ۴۵۴).

وضع اقتصادی در ایجاد بزهکاری مؤثر است. مثلاً میزان جرم و بزهکاری در میان سیاه پوستان آمریکا که از وضع اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند، بیشتر است. شاید وضع اقتصادی نتواند صرفاً دلیلی برای جرم و جنایت باشد، بلکه احساس حقارت شخصی یا محدودیت هایی که از نظر مالی در شخص بوجود می آید می تواند حالت های تهاجمی را افزایش دهد. غذای بد و ناکافی، سطح زندگی پایین، عدم وجود امنیت، پایین بودن وضع بهداشت و وضع کار والدین از جمله عواملی هستند که در رفتار بزه مؤثرند (فرجاد، ۱۳۷۴ : ۲۱).

در این تحقیق پایگاه اجتماعی-اقتصادی بوسیله شاخص های تحصیلات پدر و مادر، میزان درآمد خانوار و شغل پدر سنجیده شد. نتایج نشان داد که پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانش آموزان رابطه معکوس با وندالیسم دارد. به عبارت دیگر هر فرد از پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین برخوردار باشد، گرایش به رفتار وندالیستی در او بیشتر است. نتایج تحقیق جلیلی (۱۳۷۲)، محسنی تبریزی (۱۳۷۴)، شیری (۱۳۷۵) و سهامی و احمدی (۱۳۸۳) که نمونه های تحقیقات داخلی هستند و در فصل دوم به آن اشاره گردید و همچنین نتایج تحقیق کرسول (۲۰۰۵)، با یافته های این تحقیق همخوانی دارد. بدین معنی که تحقیقات مذکور وجود رابطه معنی دار و معکوسی بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و رفتار انحرافی را تأیید می کنند.

احساس محرومیت نسبی متغیر بعدی است که با هر سه شیوه عملیاتی شده متغیر وابسته یعنی وندالیسم رابطه دارد. وقتی فرد احساس محرومیت می کند، احتمالاً به خشونت روی می آورد، چون احساس می کند جامعه در مقابل توزیع امکانات، ناعادلانه عمل کرده است. یافته های این تحقیق نشان داد به میزانی که فرد احساس محرومیت بیشتری می کند، گرایش به رفتار وندالیستی و همچنین شدت رفتار وندالیستی نیز در او بیشتر است. رضانی نیز در تحقیق خود از متغیر های احساس

ناکامی یا احساس محرومیت نسبی و احساس تبعیض در تبیین وندالیسم استفاده کرده و رابطه معنی داری بین این متغیرها و وندالیسم دریافته است.

در تحقیق حاضر، احساس انزوای اجتماعی، و احساس تنفر از خویشان به عنوان شاخص هایی برای سنجش متغیر ترکیبی "از خود بیگانگی" در نظر گرفته شد. به نظر ما رفتار انحرافی را نه می توان بوسیله متغیرهای جامعه شناختی و نه متغیرهای روان شناختی صرف تبیین کرد. شاید روان شناسی اجتماعی برای تبیین رفتار انحرافی از صلاحیت بیشتری برخوردار باشد. با توجه به این نکته می توان گفت احساسی که فرد از موقعیت خود در ارتباط با جامعه دارد و یا تعریفی که فرد از جایگاه خود در جامعه دارد یا به عبارتی دیگر جایگاهی که فرد احساس می کند جامعه به او بخشیده است، عامل بروز رفتار است. بنابراین رفتار ناپهنگار زاییده احساس فرد نسبت به جایگاه و موقعیتی است که جامعه به او عطا کرده است.

در تحقیق های انجام گرفته قبلی کمتر بر این متغیرها تأکید شده است. اکثر تحقیقات انجام شده داخلی برای تبیین وندالیسم یا بزهکاری از نظریات جامعه شناسی استفاده کرده اند و کمتر به متغیرهای روان شناختی اجتماعی توجه کرده اند. بنابراین تحقیق حاضر علی رغم کاستی ها می تواند راه را برای تبیین کامل تر در تحقیقات بعدی هموار کند.

به زعم ملوین سیمن احساس از خود بیگانگی معانی مختلفی دارد. به عبارت دیگر در دوره های مختلف یا اندیشمندان، هر کدام به بعدی از آن تأکید کرده اند. در این حقیق ابعاد مختلف احساس از خود بیگانگی به عنوان متغیر در نظر گرفته شده است. تمامی این متغیرها احساس فرد از موقعیت خود یا به عبارتی حالت ذهنی فرد است. بنابراین متغیرها را می توان به نوعی روان شناسی اجتماعی دانست؛ بدین معنی که بازتاب جنبه عینی فرد نمی باشد و حالت روانی است تا وضعیت عینی او.

احساس انزوای اجتماعی نیز یکی از وضعیت های ناشی از عدم تطابق وسایل و اهداف از نظر مرتن می باشد. مرتن معتقد است وقتی فرد هم اهداف فرهنگی پذیرفته شده را و هم وسایل رسیدن به این اهداف را رد می کند، انزوا را پیشه می کند. کوهن نیز معتقد است وقتی فرد دچار احساس انزوا می شود، سعی دارد این احساس را از خود دور کند، بنابراین به رفتار انحرافی برای کسب لذت و شادی روی می آورد. کوهن در اثر مشهور خود تحت عنوان "پسران بزهکار" می نویسد: " شرارت و خرابکاری اموال (رفتار وندالیستی) که عموماً توسط نوجوانان در مکان های عمومی و یا در خلوت صورت می گیرد، نه دارای هدف، نه نظم و نه دارای دلیل مشخص و آشکاری می باشد" (کوهن، ۱۹۵۵ : ۱۸۵). بنابراین به نظر می رسد، فرد خرابکار، از انجام رفتار وندالیستی به دنبال کسب منفعت نیست، بلکه می خواهد از اینکه دچار ناکامی منزلتی شده است به نوعی از جامعه انتقام بگیرد و یا کسب لذت کند. در واقع پاره فرهنگ بزهکار به وی منزلت داده و نیز خشونت را مجاز می شمارد.

نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت و بین این متغیر با هر سه شیوه عملیاتی شده متغیر وابسته یا وندالیسم می باشد و در هر سه حالت رابطه در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

احساس تنفر از خویشان آخرین بعد احساس از خود بیگانگی است. در وضعیت احساس تنفر از خویشان، فرد خود را وسیله و ابزار دیگران برای رسیدن به هدف می بیند. این معنای از خود بیگانگی بیشتر در کارهای اریک فروم دیده می شود. در این حالت فرد در کار خودش احساس خوشنودی نمی کند یا نقشی که جامعه به فرد می دهد برای وی حالتی از اجبار و اکراه دارد.

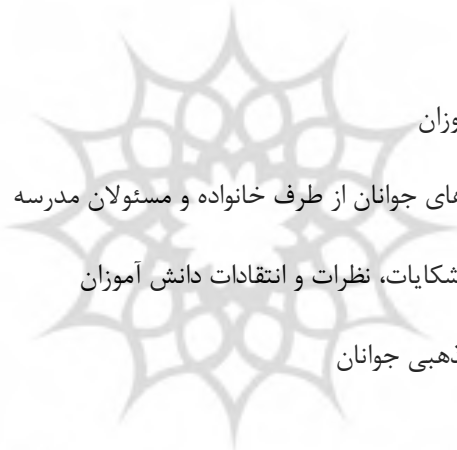
به طور کلی همان طور که قبلاً گفته شد احساس از خود بیگانگی از مجموع پنج متغیر ، احساس بی هنجاری، احساس انزوای اجتماعی، و احساس تنفر از خویشان بدست آمده است. ضریب تعیین در مورد احساس از خود بیگانگی، وقتی وارد معادله رگرسیون می شود، معادل ۰/۴۰ می باشد؛ به عبارت دیگر احساس از خود بیگانگی ۴۰ درصد از واریانس وندالیسم را تبیین

می کند. وقتی همه متغیرهای فاصله ای وارد معادله رگرسیون می شود، در مجموع ۴۵ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پیش بینی می شود.

پیشنهادات

در تحقیق حاضر عمدتاً از نظریه مرتن، کوهن، میلر و سیمن استفاده شده است، ولی می توان از نظره های دیگر نیز برای تبیین این مسأله اجتماعی استفاده کرد. پیشنهاد قابل ارائه دیگر این است که، می توان در تحقیقات بعدی از مقایسه دو گروه آزمایش و کنترل برای تبیین وندالیسم استفاده کرد. به این ترتیب که گروه آزمایش شامل افراد وندال و گروه کنترل نیز شامل همان تعداد افراد که از طریق نمونه گیری تصادفی به دست آمده اند، می باشد.

توصیه هایی برای کاهش رفتار وندالیستی



- بازسازی، اصلاح و تعمیر فوری وسایل خراب شده

- ایجاد و تأسیس مراکز تحقیق و پیشگیری از وندالیسم

- جریمه و بازخواست فوری فرد وندال

- تقویت روحیه مسئولیت پذیری دانش آموزان

- توجه بیشتر به خواسته ها و نیاز مندی های جوانان از طرف خانواده و مسئولان مدرسه

- توجه هر چه بیشتر مسئولان مدرسه به شکایات، نظرات و انتقادات دانش آموزان

- برنامه ریزی در جهت تقویت اعتقادات مذهبی جوانان

منابع:

- ۱- احمدی، حبیب (۱۳۷۷). *نظریه های انحرافات اجتماعی*، چاپ اول، شیراز، انتشارات زر.
- ۲- آرون، ریمون (۱۳۷۷). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- اگ برن و نیمکف، (۱۳۵۳) *زمینه جامعه شناسی*، ترجمه آریانپور، چاپ اول، تهران، انتشارات جیبی.
- ۴- باتومور، ت (۱۳۵۷). *جامعه شناسی*، ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی کلجاهی، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- ۵- بی، ارل (۱۳۸۵). *روش های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول، ترجمه رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- ۶- بیرو، آلن (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: موسسه کیهان.
- ۷- تر نر، جاناتان (۱۳۹۰). *ساخت نظریه جامعه شناسی*، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، چاپ هشتم، تهران، انتشارات نوید.
- ۸- چلبی، مسعود (۱۳۸۲). *جامعه شناسی نظم*، تهران: نشرنی.
- ۹- رابرتسون، یان (۱۳۸۴). *درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه های کارکرد گرائی، ستیز، کنش متقابل نمادی)*، ترجمه حسین بهروان، چاپ بیستم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۰- راین، آلن (۱۳۵۶). *فلسفه علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- ۱۱- رمضانی، ناصر (۱۳۷۵). عوامل مؤثر بر پیدایش رفتار های وندالیستی در میان برخی پسران ۸ تا ۱۶ سال ساکن مناطق حاشیه خطوط راه آهن در جنوب شهر تهران، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات واحد تهران مرکز.
- ۱۲- ریتزر، جورج (۱۳۹۳). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۳- فرجاد، محمد حسین (۱۳۸۵). آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، چاپ هفتم، تهران، انتشارات بدر.
- فرهاد پور، مراد (۱۳۸۸). عقل افسرده، چاپ اول، تهران، نشر طرح نو
- ۱۴- جلیلی، مهناز (۱۳۷۲). بررسی عوامل مؤثر در بزه کاری نوجوانان شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز، بخش برنامه ریزی و جامعه شناسی.
- ۱۵- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۵). *بزهکاری اطفال و نوجوانان*، چاپ ششم، تهران انتشارات ویستار
- ۱۶- عبدالهی، محمد (۱۳۸۳). طرح مسایل اجتماعی در ایران. اهداف ضرورت ها. مجموعه مقالات مسایل اجتماعی ایران. چاپ اول تهران : موسسه انتشارات آگاه
- ۱۷- محبی، حسین (۱۳۸۲). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر خرابکاری به عنوان مقدمه رفتار بزهکارانه در بین دانش آموزان دبیرستان های شهرستان زرین دشت، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر کرمان
- ۱۸- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰). *بیگانگی*، نامه علوم اجتماعی، جلد ۲، شماره ۲، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۹- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۲). *خودکشی در استان ایلام*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۲۰- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). *وندالیسم*، چاپ اول، تهران: انتشارات آن.
- ۲۱- محسنی، منوچهر (۱۳۷۲). *مقدمات جامعه شناسی*. چاپ دهم، تهران : انتشارات دیبا.

Hober, A.R (۱۹۹۱). *Delinquency and vandalism in the Netherlands's public transportation system*, economic research center.

Horton, P.B (۱۹۸۹). *sociology*, Hunt

John.P.Clark and Eugene P.Wenninger, (۱۹۶۸). *The sociology of crime and delinquency*. Edited by Marvin, E.Wolfgang, Leonard, Savitz, Norman, Johnston.

Miller, Delbert (۱۹۶۹). *Hand book of Research Desiyn and social Measurement*, P.David Mekey.

York: The Free Press.

.Merton, Robert (۱۹۶۸). *Social Theory and Social Structure*, New York: Free Press

Carswell, Steven B (۲۰۰۵). *Pathways to delinquency: the role of parental attachment, family socioeconomic status, and deviant peer relationship in risk behaviors and delinquency among urban African – American middle school students*, dissertation PhD, The American University.

Cloward, Richard and Ohin, Lioyd (۱۹۶۸). *Delinquency and Opportunit, A Theory of Delinquent Gang*, New York: Free press.

Gurr, Ted Robert (۱۹۶۷). *Psychological Factors in Civil Violence*, World Politic

McCorry, Timothy A (۲۰۰۵). *Parental control, gender and delinquency in patriarchal and non – patriarchal households: a qualitative assessment*, dissertation PhD, state university of New York at Buffalo.